



ارباب حلقه‌ها: بازگشت پادشاه؛ آهای! حلقه مال منه

سمت آخر ارباب حلقه‌ها را می‌توان علاوه بر ژانر فانتزی در ژانری متفاوت‌تر یعنی ژانر حماسی نیز جای داد.

همشهری آنلاین- مهدی تهرانی: قسمت سوم "ارباب حلقه‌ها: بازگشت پادشاه" به بهترین وجه ممکن با شخصیت‌پردازی قهرمان‌هایش سروسامان گرفت.

قسمت آخر ارباب حلقه‌ها را می‌توان علاوه بر ژانر فانتزی در ژانری متفاوت‌تر یعنی ژانر حماسی نیز جای داد. ابتدا قهرمانان ریز و درشت تریلوژی ارباب حلقه‌ها را باهم مرور کنیم: یک جادوگر 1135 ساله به نام "گاندالف"، یک هابیت دانشمند 111 ساله به نام "بیلبو"، چند نوع جن از نژادها و جنسیت‌های مختلف از 20 ساله تا 3646 ساله به نام‌های آرون، گالادریل، لگولاس؛ چند کوچولوی اهل‌هابیت به نام‌های فردو، سم، پیپین و مری.

این‌ها را نیز اضافه کنید: 18 هزار سیاهی لشکر در نقش خوب، 25 هزار سیاهی لشکر هیولالوش، چند دورف فسقلی و در راسشان گیملی 125 ساله، صد لشکر روح‌سرگردان خوب و بد و در آخر یک گلوب 500 ساله و استحاله یافته! این اسامی ماجراها و داستان‌های این سه‌گانه‌ی ماندگار سینما را به رهبری پیتر جکسون تشکیل داده‌اند.

در قسمت پایانی ارباب حلقه‌ها یعنی "بازگشت پادشاه" محل اصلی مبارزه این بار پایتخت گندور، میناستریت و بعد خود اراضی گندور است.

نیروهای ساروئون به پایتخت حمله می‌کنند و شهر را به محاصره درمی‌آورند؛ اما هنوز کوششی برای مقابله از سوی گندوری‌ها انجام نشده و به نظر می‌رسد ورود نیروهای ساروئون به درون شهر باید بسیار ساده و راحت صورت‌گیرد. اما در نهایت نیروهای شاه تئودون و قوای گندور در منطقه روهان به هم می‌پیوندند تا آخرین مبارزه انجام شود.

در چهره‌های نیروهای روشنایی، مردانگی و شجاعت و شور و اشتیاق برای به دست آوردن آزادی موج می‌زند. همه حتی پیپین و مری کوچک نیز در میان جنگاوران حضور دارند؛ اما گویا این میدان با بقیه جنگ‌های طی این چند هزار سال تفاوت دارد.

سائورون دهها لشکر با ابزارآلات جنگی مهیا کرده که جمع تمام نیروهای گندور در مقابل آنها مانند کنار هم گذاردن یک مشت گندم و صدها هکتار مزرعه گندم است. با آغاز درگیری شاه تئودون کشته می‌شود و تلفات قابل شمارش نیست.

در همین بین فردو و سم در حالی که گلوب را طرد کرده‌اند به نزدیکی‌های "قله‌موردور" رسیده‌اند و همه چیز مهیاست تا حلقه به درون آتش بیفتد. و در آستانه سقوط گندور؛ فردو از پس وسوسه‌هایی روحی برمی‌آید! و سرانجام حلقه و گلوب را به درون دره آتش می‌اندازد.

حلقه‌ای که در آخرین لحظات در کف دست گلوب قرار گرفته بود با ذوب می‌شود. بدنبال آن نیروهای تاریکی نابود می‌شوند و کم نور خورشید منطقه گندور و اطراف آن را دربرمی‌گیرد. پادشاه بازگشته است و نیروهای روشنایی به پیروزی رسیده‌اند و این گه‌نه است که سف‌لایح حلقه به بابا، می‌رسد.

وایکینگ کوچک، جادوگر بزرگ

امتیاز اصلی و منحصر به فرد سه گانه ارباب حلقه‌ها و بویژه قسمت آخر آن، بازگشت پادشاه، در پردازش صحیح و معرفی بی‌نقص هریک از کاراکترهای آن است.

در طول این 10 ساعت و نیم فیلم، تماشاگر با حدود 100 کاراکتر که دارای نقش کاربردی و دیالوگ هستند، سر و کار دارد و پیتر جکسون سهم هر کاراکتر را برای پرداخت، دقیق و حساب شده محفوظ نگه می‌دارد.

اگر غیر از این روند صورت می‌گرفت، تماشاگر شخصیت‌ها را نمی‌شناخت و نمی‌توانست با آنان ارتباط برقرار کند. به طور کلی جکسون برای این پرداخت‌ها، 2 گروه اصلی و اعضای آنها را در قسمت اول و دوم و بدون کم و زیاد معرفی کرده بود.

از این رو در قسمت پایانی کاراکترهای مرتبط با نیروهای روشنایی و یا نیروهای تاریکی برای تماشاگر شناخته شده‌اند. گاندالف جادوگر همه‌فن‌حریف و صادق، گیملی دورف فسقلی و با مرام، لگولاس جن فداکار، فردو و سم هابیت‌های دوست‌داشتنی، گلوب هابیت سابق و شیر و بدجنس کنونی، آرون جن محبوب و نامزد آراگون، از گروه نیروهای روشناییو سارومان جادوگر بدخواه پلید، سائورون مظهر پلیدی و تاریکی دنیا، اورک‌ها و هیولاهای دست ساز سارومان از گروه نیروهای تاریکی، همگی با، تماشاگر شناسنامه‌دار، شده‌اند.

فال سرنوشت در جنگل جن‌ها

در ارباب حلقه‌ها کاراکترها بدون شک و یا تردید روایت می‌شوند. شخصیت‌ها یا خوبند یا بد و در شناسایی آنها تماشاگر بعید است تردید داشته باشد. خوب‌های مربوط به نیروهای روشنایی ممکن‌است لغزش‌هایی داشته‌باشند اما سرشتشان پاک است.

برومیر را در قسمت اول (یاران حلقه) به یاد بیاورید. سرنوشت او در جنگل گالادریل و از سوی وی پیش بینی شده بود. اینکه به زودی در جنگی یکطرفه خواهدمرد. اگر او بیتابی نشان داد و قصد داشت حلقه را از فردو بگیرد، این فقط یک حمله شیطانی به افکار برومر جلوه می‌کرد. و چه بسا پایی ذاتش برای تماشاگر محرز بود.

حالا صحنه حمله برومیر به لشکر اورک‌ها را به یاد بیاورید، فداکاری او سبب نجات فردو شد. در مورد پدر او نیز همین روند صدق می‌کند. پدر او آدمی احمق و پست فطرت است.

پیتر جکسون منتظر نمی ماند تا تماشاگر آنقدر با خودش کلنجار برود و در آخر هم متوجه نشود این نماینده شاه تئودون براستی متعلق به کدام گروه است.

در این سکانس پیتر جکسون به سرعت گاندالف را وارد میدان می کند تا با روندی منطقی آن هم برگرفته از زیرساخت اصلی ماجرا، رفتارشناختی پدر برومر را عیان کند. (نمایی را به یاد بیاورید که از بالای برج قصر گاندالف او را با عصایش می زند). طبیعی است گاندالف برای تماشاگر در این فیلم یک معیار است. فردی که مقابل او باشد و یا کسی که توسط وی طرد شود، یقیناً آدمی عوضی است و پدر برومر این گونه از سوی این جادوگر کارگشته معرفی می شود.

تعامل بازیگران با یکدیگر و هم پوشانی شان با هم نیز در "بازگشت پادشاه" عالی از کار درآمده است. چنین روندی را تعامل بازیگران با یکدیگر بخوانیم که یکی از اصلی ترین و کاربردی ترین روشها برای شناسایی و در نهایت همذات پنداری تماشاگر با نقشها است. ه بت حکسونه، با استاد، ه حه تمامت از ادا، ه ش، ه قاعده استفاده م، کند.

سوسپانس حلقه ای

یکی از مهمترین این همذات پنداری ها رفتارشناختی فردو است. تماشاگر از ابتدای داستان بازگشت پادشاه به این مهم فکر می کند که آیا فردو نیز ممکن است افکارش؛ توسط شیطان حتی برای یک لحظه دستخوش مخاطره شود؟

صحنه ای را به یاد بیاورید که او به همراه سم به بالای قله رسیده اند و همه چیز مهیاست تا او حلقه را به آتش بیندازد؛ اما او به ناگاه برمی گردد و تردید برای حفظ حلقه در قیافه اش موج می زند.

این در حالی است که فرسنگ ها دورتر؛ تنها چند ثانیه مانده تا گندور سقوط کند و تمام یاران حلقه به یکباره قتل عام شوند. این سوسپانس حلقه ای در مورد فردو بیشتر طول می کشد.

ادامه ماجرا ثابت می کند که پیتر جکسون و جلوتر از او تالکین نویسنده داستان ارباب حلقه ها چقدر ماهرانه؛ عناصر داستان خود را در چنگ دارند. عملی که فردو انجام می دهد یعنی وسوسه ای او، هرگز برای تماشاگر قابل قبول نیست.

حتی ممکن بود تماشاگر بی حوصله، در یک اقدام ضربتی فردو بگینز را از فهرست نیروهای روشنایی خارج کند. اما پیتر جکسون به سرعت داستان را با حضور یکباره گлум نابکار ادامه می دهد. گлум انگشت فردو را گاز می گیرد و حلقه و نصف انگشت فردو را باهم به دست می آورد.

گлум که از به دست آوردن حلقه سر از پا نمی شناسد، آنقدر در خوشی غرق می شود که متوجه نیست او را به پایین هل داده اند و چند ثانیه دیگر می سوزد. جکسون روند نفوذ افکار شیطانی و طرد آن را با ثواب و عقاب روایت می کند.

اگر فردو انگشت خود را در آن لحظات سرنوشت ساز از دست می دهد، به دلیل پاک شدن اوست و هزینه ای است که باید بپردازد تا از این که تسلیم وسوسه شیطان شده تطهیر شود.

هرچه باشد "ارباب حلقه ها" بیان نبرد خیر و شر است. در کنار نور و خوبی ها سکنی گزیدن هزینه دارد. ایثار و فداکاری و اشاعه هرچه بیشتر کرامات انسانی توسط یاران حلقه امری نهادینه برایشان است. والبته طبیعی می نماید که وسوسه های شیطانی همه جا هستند و اگر گریبانگیر خوبان شود نیز؛ باکی نیست که ذات پاک تطهیر می شود. روندی که برای تمامی یاران حلقه شاهد هستیم همین است.

The Lord of The Rings: The Return of The King

کارگردان: پیتر جکسون؛ فیلمنامه: فران والش، فیلیپا بوینس و پیتر جکسون؛ براساس رمان ارباب حلقه ها نوشته پروفیسور جی. آر. آر. تالکین؛ زمان فیلم: 201 دقیقه؛ بودجه: 94 میلیون دلار؛ فروش فیلم: 1 میلیارد و 119 میلیون دلار؛ محصول 2003 نیوزلند و آمریکا

بازیگران: الیجا وود (فردو)؛ یان مک کلن (گاندولف)؛ ویگو مورتنسن (آراگون)، اورلاندو بلوم (لگولاس)، شان آستین (سم)، کیت بلانشت (گالادریل)، جان ریز دیویس (گیملی)، برنارد هیل (تئودن)، بیلی بوید (پیپین)، دومینیک موناهان (مری)، هوگو ویوینگ (الروند)، لیو تایلر (آرون)، میراندا اوتو (اووین)، دیوید ونهام (فارومیر)، یان هولم (بیلبو بگینز)، شان بین (برومیر)، کریستوفر لی (سارومان)، اندی سرکیس (گлум).